


Different Discourses in Nowrouznameh

Ali Taslimi  *

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

Nahideh Zarei 

PhD in Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

Mohammad Ali
Khazanedarloo 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

Abstract




Human Attitude Toward the World is Influenced by the System of Discourse. Text Analysis, better than any other Method, can Show Socio-Cultural Processes in all their Forms, with all their Nature. In this Regard, Laclau and Moff's Discourse, which is Closer to Foucault in some Respects can be Used. This Research Uses a Descriptive-analytical Method and a Discourse Analysis Approach to Analyze and Explain the Discourse Formulations Applied by Khayyam in Nowrouznameh. Using Discourse Articulation Mechanisms, this Study Indicates that the Discourse Followed by Khayam is a Material and Cultural Discourse which Plays a Significant Role in Nowrouz Discourse reproduction. Nowrouz Feast is the Cornerstone of Discourse Around which such Discourse as Medicine, Astronomy and Superstitions are Organized. Among the Discourse Elements of Nowrouznameh, the Element of wine, which is Quite Intoxicating, has a Prominent Significance.

Keywords: Khayam, Nowrouznameh, Discourse Analysis.

* Corresponding Author: Taslimi1340@yahoo.com

How to Cite: Taslimi, A., Zarei, N., Khazanedarloo, M. A. (2021). Different Discourses in Nowrouznameh. *Literary Text Research*, 25(90), 213-233. doi: 10.22054/ltr.2020.43101.2716.

گفتمان‌های متفاوت در نوروزنامه

- استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران |  * علی تسلیمی
- دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران |  ناهیده زرعی
- دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران |  محمدعلی خزانه‌دارلو

چکیده

نگرش انسان نسبت به جهان، متأثر از نظام گفتمان‌هاست. تحلیل متن بهتر از هر روش دیگری، می‌تواند فرایندهای اجتماعی- فرهنگی را به هر شکلی که پدیدار شوند، با همه سرشتشان نشان دهد. در این میان می‌توان از گفتمان لاکلا و موف که از جنبه‌هایی به فوکو نزدیک‌تر است؛ استفاده کرد. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با رویکرد تحلیل گفتمان، صورت‌بندی‌های گفتمانی را که خیام در نوروزنامه به کار گرفته است، تحلیل و تبیین می‌کند. این بررسی با سازوکارهای مفصل‌بندی گفتمانی، نشان می‌دهد که گفتمان مورد التزام خیام، گفتمانی مادی و فرهنگی است که در بازتولید گفتمان نوروز، نقش اساسی ایفا می‌کند. جشن نوروز دال مرکزی گفتمان است که گفتمان‌هایی چون طب، نجوم و عقاید خرافی، حول آن انتظام می‌یابند. در بین عناصر گفتمانی نوروزنامه، عنصر شراب که کاملاً مستی‌آوراست، جلوه‌ی برجسته‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: خیام، نوروزنامه، تحلیل گفتمان.

مقدمه

معانی و بازنمایی‌ها اموری واقعی هستند که از طریق زبان معنا پیدا می‌کنند. زبان صرفاً مجرایی نیست که اطلاعات مربوط به وضعیت روحی و رفتار با واقعیت‌های مربوط به جهان خارج را از طریق آن با یکدیگر در میان بگذاریم. به‌عکس زبان دستگاهی است که خلق می‌کند و در نتیجه جهان اجتماعی را می‌سازد. در عین حال، هویت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را نیز به وجود می‌آورد.» (فیلیس، ۱۳۹۴)

ادبیات، فرهنگ و عقاید مردم از طریق زبان و متن که فرم‌های مادی‌اند، در جامعه انتقال می‌یابند. ماتریالیسم فرهنگی بدین باور است که ادبیات و هنر از جامعه و زمان فراتر نمی‌رود و جنبه فراتاریخی به خود نمی‌گیرد یعنی گرایش به همان جنبه‌های پارادایمی بودن اندیشه‌ها و محدود بودن آن به شرایط زمانی و اجتماعی یک دانش یا گفتمان.» (تسلیمی، ۱۳۹۰) زبانی که ما به کار می‌گیریم بر پایه زبان‌های اجتماعی جهانی است که در آن زندگی اجتماعی خویش را پیش می‌بریم؛ لذا سازنده ادبیات، فرهنگ و گفتمان‌های متنوع زبان است. تمامی پدیده‌های اجتماعی از جمله فرهنگ، توسط زبان ماندگار می‌شوند. مارکسیست‌های کلاسیک، فرهنگ را روبنا دانسته‌اند حال آن‌که ویلیامز فرهنگ را پدیده‌ای مادی می‌داند که تا حدودی در برابر زیربنای اقتصادی بر آن تأثیر می‌گذارد.» (مکاریک، ۱۳۸۳) آدمی همواره چیزها را با مادیات می‌سنجد و جهان را با محسوس‌هایش درمی‌یابد مثلاً برای درک بهتر بهشت آن را در برابر باغ تجسم می‌کند و تمام تلاشش بر آن است تا به گونه‌ای از زمان بهره‌مند شود ولی هراس از زمان و چگونگی بهره‌مندی از آن همواره به گونه‌ای ناخودآگاه، در ساختار اندیشه‌های بشری، آشیا نه داشته است. «اپیکور در سده چهارم و سوم پیش از میلاد، زندگی مادی و بهره‌مندی از زمان را پیشنهاد می‌کند. با آن‌که به خدایان و معنا باور دارد وی می‌گوید: مرد خردمند می‌تواند در سختی‌های همین جهان نیز شادمان باشد و خدایان کاری به کامیابی‌های آدمی ندارند...» (تسلیمی، ۱۳۹۱)

چگونگی گذر زمان و بهره‌مندی از آن برای خیام بسیار مهم بوده است این چگونگی در نوروژنامه به‌نوعی خوشایند است، گذشته برای خیام بسیار رنج‌بار است او فقط به حال می‌اندیشد و اکنون است که برای او لذت و کیفیت به همراه دارد. خیام بیش از آن‌که به زمان تاریخی نگریسته باشد به زمان واقعی و درونی نگریسته است اگرچه این نگرش گفتمانی را در پی دارد که به زمان تاریخی می‌انجامد، لذا واحدهای سازنده‌ای که گفتمان

خیام را از سایر گفتمان‌ها جدا می‌کند، مادی بودن سخنان اوست؛ به عبارت دیگر گزاره‌ها و واحدهای وابسته به مادیات در برابر گزاره‌هایی که مربوط به معنویات است گفتمان دیگری را پدید می‌آورد؛ که آن گفتمان را می‌توان در نروزنامه مشاهده کرد. در روزگار خیام (سده پنجم و ششم) دو گفتمان بنیادی مجاور وجود داشته است که هر یک ساختار جداگانه‌ای را پدید می‌آورد. گفتمانی که مربوط به کامیابی‌های مادی - فلسفی است و گفتمانی که مربوط به مسائل معنوی است. اولی مربوط به خیام است و دومی مربوط به عارفان می‌باشد. خیام از طریق خلاقیت‌های فردی و تحت تأثیر تعینات اجتماعی - فرهنگی در زبانی که برای او گنج بی‌پایان است؛ فرایند تولید نروزنامه را با به کارگیری گفتمان‌های متعدد - که هم مجسم کننده ذهنیت وی و هم نشانگر نوع ارتباطات اجتماعی و فرهنگی عصر وی است - تجربه می‌کند. چرا که به تعبیر میشل فوکو گفتمان‌ها " اعمالی هستند که به طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند... گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت را تعیین نمی‌کنند؛ آن‌ها سازنده موضوعات بوده‌اند. (عضدانلو، ۱۳۸۰) در پژوهش حاضر، سعی بر این است که به پرسش‌های زیر، پاسخ داده شود.

- در بین گفتمان‌های متفاوت در نروزنامه، کدام گفتمان، بیشترین جلوه را به خود اختصاص داده است؟

- گفتمان مورد التزام خیام در باز تولید گفتمان نروزنامه، کدام گفتمان است؟

۱. پیشینه پژوهش

درباره نروزنامه نوشته‌ها بسیار اندک است. به چند مورد زیر اشاره می‌شود.
- محمدتقی بهار در کتاب سبک‌شناسی (سپهر، تهران ۱۳۶۹). می‌گوید: نروزنامه رساله‌ای است در سبب وضع جشن نوروز و کشف حقیقت و این که کدام پادشاه آن را نهاده...

- اسفندآبادی، نظری و حسینی در مقاله‌ای با عنوان " نروزنامه خیام و تأثیر آن در اشاعه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی " (دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی، مشهد، دانشگاه فرهنگیان شهید مفتاح، ۱۳۹۶) با توجه به موضوعات و مباحث بخش‌های مختلف کتاب نروزنامه و فرهنگ ایران، سهم درخور توجهی از آن این کتاب است.

- السلامه در مقاله "بررسی سبک زبانی نوروژنامه خیام" (اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعه زبان و ادبیات، تهران، موسسه آموزش عالی اوج، ۱۳۹۷) به بررسی مختصات سبک دوره و نیز سبک شخصی نوروژنامه، در سطح زبانی پرداخته‌اند. در مورد نوروژنامه خیام و تحلیل گفتمان‌های متفاوت در آن، پژوهشی صورت نگرفته است.

۲. روش^۱

روش گردآوری اطلاعات این پژوهش کتابخانه‌ای است، اطلاعات جمع‌آوری شده با هدف تبیین و ارزشیابی به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد گفتمانی نقش‌گرا و با استفاده از نظریات تحلیل گفتمان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به قابلیت متن، بیشتر سازوکارهای زبانی و بافتی با تکیه بر نظریات لاکلا و موف مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

۳. تحلیل گفتمان

گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در رابطه با صورت‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - زبانی که بازتاب‌دهنده نظم اجتماعی است و درعین حال به نظم اجتماعی و کنش متقابل افراد با جامعه شکل می‌دهد. (Adam, 1999)؛ بنابراین گفتمان‌ها نظام‌هایی خودبنیادند که برای دستیابی به قدرت، زبان و همه پدیدارهای اجتماعی دیگر را در سیطره خود می‌گیرند.

از تحلیل گفتمان می‌توان در انواع گوناگون مطالعه‌ها و کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی، استفاده کرد. یاورسکی و کاپلان هم معتقدند "تحلیل گفتمان عبارت است از فراتر رفتن از صورت‌های قابل‌رؤیت زبان و رسیدن به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه متقابل میان زبان و فرایندهای اجتماعی" (Adam, 1999)؛ که به‌طور کلی در دو سطح عام به کار می‌رود: گرایش اول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی است که خود در دسته‌بندی سه‌گانه ساختارگرا، نقش‌گرا و انتقادی در کانون پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین سطح دیگر، استفاده از تحلیل گفتمان در فلسفه سیاسی - اجتماعی است. "اصطلاح تحلیل گفتمان ابتدا در زبان‌شناسی ساخت‌گرا و برای تحلیل زبان بالاتر از سطح جمله به کار

گرفته شد. سطح دیگر از نظریه‌هایی که ریشه در فلسفه سیاسی - اجتماعی دارند، مبنای نگرش فلسفی به مفاهیم گفتمان را فراهم آورده‌اند و معنا از گذار پیوند متن با موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و قدرت حاصل می‌شود. نظریات فوکو مبنای فلسفی نگرش به مفاهیم گفتمان و قدرت در معنای متکثر آن را فراهم آورده است. (ر.ک. وندایک، ۱۳۸۹) رهیافت فوکو به وجوه مختلف گفتمان با رهیافت منطقیون و زبان‌شناسان متفاوت بود. هرچند آنان نیز به گفتمان به‌عنوان شیئی مستقل یا فی‌نفسه نگاه می‌کنند. زبان‌شناسان در جست‌وجوی فهم معنای عبارات و اظهارات هستند و منطقیون به شرایطی نظر دارند که استدلال معتبر به معنای اخذ نتیجه صحیح از مقدمات صحیح را ممکن می‌سازد؛ اما فوکو در پی یافتن پاسخ به این پرسش بود که چه شرایطی در هر دوره تاریخی خاص موجب می‌شود گونه‌های خاصی از گفتمان‌ها به کاربرده شود و رواج یابند. براساس این نظریه فوکو، نوروژنامه از چندین صورت‌های گفتمانی تشکیل شده است. آداب‌ورسوم و فرهنگ پادشاهان عجم، مهم‌ترین شرطی است که در آن دوره تاریخی، خیام را وادار به خلق نوروژنامه کرده است.

۳-۱. صورت‌های گفتمانی نوروژنامه

نوروز در کنار جشن سده و مهرگان، یکی از عیدهای بزرگ ایرانیان بود که آن را از روزگار قدیم، در روزهایی متغیر از زمان اعتدال بهاری، جشن می‌گرفتند و برای آن آیین‌های گوناگون داشتند. چگونگی پیدایش جشن نوروز و این که کدام‌یک از شاهان آن را بنیان نهاده و آیینی که در عید نوروز برپا می‌کردند، اساس نوروژنامه را تشکیل می‌دهد. همین امر منجر به تشکیل صورت‌های گفتمانی متفاوت در نوروژنامه شده است. "فوکو وظیفه صورت‌های گفتمانی را مشخص کردن و متمایز ساختن گفتمان‌های مختلف از یکدیگر، از طریق معین کردن وحدتی که در هر گفتمان برقرار است، می‌داند." (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴) کلیه آداب‌ورسومی که در عید نوروز برگزار می‌شد از جمله گزاره‌هایی هستند که صورت‌های گفتمانی نوروز را خلق کرده‌اند.

۳-۱-۱. صورت گفتمانی نوروز

در نوروزنامه، صورت‌های گفتمانی نوروز، طب، نجوم، خرافی؛ خرده گفتمان‌هایی هستند که گفتمان کلان نوروز را تشکیل می‌دهند. " فوکو به گزاره‌هایی که از صور تبعیت می‌کنند، نام صورت‌های گفتمانی داده است، این صور که فوکو از آن‌ها با اصطلاح معرفت یاد می‌کند یادآور ساختارها و نظام‌های مستقلی هستند که ساختارگرایان در پی کشف آن‌ها بودند و آن‌ها را هویت‌دهنده به مفهوم انسان و شکل‌دهنده واقعیت‌های بیرونی به شمار می‌آورند. او در مطالعات تاریخی خود صورت‌های گفتمانی علوم تجربی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ... را به نیت شناخت قواعد حاکم بر آن‌ها بررسی کرده است و هر صورت گفتمانی را واجد چهارعنصر اساسی می‌داند. ۱- موضوع که گزاره‌ها درباره آن است ۲- مفاهیمی که گزاره‌ها در قالب آن صورت‌بندی شده‌اند ۳- موضوعاتی که توسط آن‌ها بازگو می‌شوند. ۴- وجه بیانی که نشان‌دهنده اهمیت و حجیت گزاره‌هاست." (ر. ک. آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴)

قواعد حاکم بر صورت‌های گفتمانی، وجوه بیانی را تشکیل می‌دهند. وجوه بیانی هر گزاره تابعی و یا نقشی از بافتی است که گزاره از آن نشئت گرفته است. عوامل چندی در تعیین وجوه بیانی تأثیر دارند. یکی از این عوامل عبارت است از حق اشخاص معین در استفاده از نوع خاصی از گفتمان و به کارگیری اصطلاحات ویژه است. (پایا، ۱۳۷۵) در نوروزنامه آنچه وجوه بیانی گفتمان نوروز را تشکیل می‌دهد تا حدودی مربوط به اعتقادات مردمان آن دوره است. یکی از گزاره‌ها این می‌باشد که " آن‌ها معتقد بودند هر که روز نوروز جشن کند و به خرمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی و خرمی گذارد و این تجربت حکما از برای پادشاهان کرده‌اند" (۵).

* وجوه بیانی دیگر مربوط به بزرگداشت آفتاب بود.

- چنانکه آفتاب از سر حمل روان شد... بفرمان ایزد تعالی حال‌های عالم دیگرگون گشت و چیزهای نو پدید آمد، چون آن وقت را دریافتند ملکان عجم، از بهر بزرگداشت آفتاب را و از بهر آنکه هرکس این روز را درنتوانستندی یافت، نشان کردند و این روز را جشن ساختند (۴).

* گزاره دیگر مربوط به رعایت آیین و رسم ملوک بود.

در نوروزنامه جشن نوروز بنیان سایر عناصری است که گفتمان نوروز را تشکیل می‌دهد و سایر عناصر حول این گفتمان شکل می‌گیرند.

-آیین ملوک عجم چنان بوده است که روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه موبد موبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پر می و انگشتری...؛ و نیایش کردی او را بزبان پارسی به عبارت ایشان، چون موبد موبدان از آفرین پرداختی پس بزرگان دولت در آمدندی و خدمت‌ها پیش آوردندی (۱۸).

این موارد جزئی از آیین‌هایی هستند که برای برگزاری مراسم عید نوروز، انجام می‌دادند. نوروز به‌عنوان یک جشن و عید باستانی، تاریخی طولانی دارد و مورد تأیید اسلام می‌باشد. ظهور اسلام و برخورد مسالمت‌آمیز آن با سایر ادیان و آیین‌ها از جمله اعتقادات مذهبی و ملی ایرانیان، موجب شد که مراسم و آداب مربوط به نوروز از جامعه اسلامی رخت برنندد، چرا که ابعاد مثبت آن زیاد است و اساس آن توجه به خلقت و زایش جهان می‌باشد.

در معارف اسلامی آمده است، هر روزی که در آن گناه صورت نگیرد، عید است. (دشتی، ۱۳۷۹). روزی برای علی (ع) هدیه‌ی نوروزی آوردند فرمود این چیست؟ گفتند: ای امیر مؤمنان، امروز نوروز است. حضرت فرمودند: هرروز را برای ما نوروز قرار دهید (شیخ صدوق، ۱۴۱۳). امام صادق (ع) درباره‌ی عید نوروز فرمودند:... و هیچ روزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان است (مجلسی، ۱۳۸۶). در روایات آمده است: هرگاه بهار را دیدید، یاد رستاخیز در شما بیشتر شود (مطهری، ۱۳۷۲)؛ بنابراین از دیدگاه اسلام جشن گرفتن عید نوروز و شادی کردن و رعایت آداب و رسوم خاص در آن، بجا و شایسته می‌باشد. لیکن ممکن است در هر دوره، آداب و رسوم خاصی برای برپایی این جشن، وجود داشته باشد.

۳-۱-۲. صورت گفتمانی طب

ساختارهای گفتمانی مسلط را که در بطن آن‌ها از سلامتی بشر سخن به میان می‌آید؛ گفتمان طبی می‌گویند. (ر.ک. میلز، ۱۳۸۸) یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد. سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند. (یورگنس، ۱۳۸۹)

در گفتمان طبی "بدن" گره‌گاهی است که معانی بسیاری حول آن شکل می‌گیرند. نشانه‌هایی از قبیل "علائم بیماری"، "بافت"... معنای خود را از داشتن رابطه‌ای خاص با "بدن" به دست می‌آورند.

- از خوردن جو، خون کثیف و فاسد نخیزد که به استفراغ حاجت افتد و نیز از بیماری دموی و صفاوی بیشتر ایمن بود و بیست و چهار گونه بیماری معروف را سود دارد. حمی مطبقة، حمی محرقة، سرفه، ... (۳۰).

سایر گفتمان‌های طبی را می‌توان در صفحات ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۲، ۶۰ مشاهده کرد که معنای خود را از داشتن رابطه‌ای خاص با بدن به دست می‌آورند.

۳-۱-۳ صورت گفتمانی نجوم

در گفتمان نجومی "آفتاب" گره‌گاهی است که معانی دیگر بسیاری حول آن شکل می‌گیرند.

- آفتاب را دو دور بود یکی آنکه هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه‌روز به اول دقیقه حمل باز آید به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه نتوان آمدن، چه هر سال از مدت، همی کم شود (۲).

۳-۱-۴. صورت گفتمانی خرافی

یک گفتمان، مجموعه‌هایی از پاره‌گفتارها یا جمله‌ها، احکامی هستند که در بطن یک بافت اجتماعی وضع می‌شوند، توسط همان بافت اجتماعی تعیین می‌یابند و موجبات تداوم هستی آن بافت اجتماعی را فراهم می‌آورند. (ر.ک. میلز، ۱۳۸۸)

گفتمان خرافی که قسمت‌هایی از نوروزنامه را تشکیل می‌دهد، در بطن جامعه وضع شده است و توسط همان بافت اجتماعی تعیین یافته است و به واسطه تأثیری که در اجتماع داشته و مورد قبول همه افراد جامعه بوده‌اند، تداوم یافته‌اند.

- چون شب خسوف ماه، جو توان کاشت جو بکارند و نان وی دیوانگان را دهند، سود دارد (۳۱).

دیگر موارد گفتمان خرافی را می‌توان در صفحات ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۵۲، ۵۸، ۵۶ مشاهده کرد. عناصر صورت‌بندی شده در گفتمان نوروز هر کدام جزئی از نظام گفتمانی محسوب می‌شود و در تشکیل محور اصلی گفتمان نوروز، نقش اساسی ایفا می‌کند.

۳-۲. مفصل‌بندی عناصر گفتمانی

مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا کرده‌اند. لاکلا و موف مفصل‌بندی را هرگونه عملی می‌دانند که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند؛ به نحوی که هویشان در نتیجه عمل مفصل‌بندی، دستخوش تغییر شود؛ آن کلیت ساختاریافته، ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامند؛ و هر تفاوتی را که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد، عنصر می‌نامد؛ به عبارت دیگر عنصرها همان نشانه‌ها می‌باشند. برای مثال "بدن" عنصر یا نشانه‌ای است که روش‌های رقیبی برای فهم آن وجود دارد؛ در گفتمان پزشکی، می‌توان با تعریف مشخص و روشن بدن، آن را به بُعد بدل کرد و در گفتمان درمان نیز تعریف روشنی از "بدن" ارائه می‌شود. (ر.ک. یورگنس، ۱۳۸۹) سایر نشانه‌هایی که حوال دال اصلی انتظام می‌یابند مدلول نامیده می‌شوند. هر کدام از عناصری که در شبکه گفتمانی نوروز، حول دال اصلی قرار گرفته‌اند به منزله کنشی خاص هستند که در تولید گفتمان نوروز، نقشی حیاتی دارند.

خیام از رهگذر خلاقیت‌های فردی و تحت تأثیر تعینات اجتماعی، فرایند تولید متن نوروزنامه را با به‌کارگیری گفتمان‌های متعددی که هم مجسم‌کننده ذهنیت وی و هم نشان‌دهنده نوع ارتباطات اجتماعی و فرهنگی عصر وی است، تجربه می‌کند. "و به گونه‌ای زبان‌آورانه جهانی را آشکار می‌کند که انگار پیش‌تر پنهان و خاموش بوده است." (احمدی، ۱۳۸۱)

از آنجایی که گفتمان را موقعیت و وضعیت دال بر آگاهی مبتنی بر نظم یا ساختار مفاهیم و اصطلاحات خاص نیز می‌دانند و همچنین نوعی آرایش مکانی که بر موضوعات و اشیاء تحمیل می‌شود. (لیوتار، ۱۳۸۱) خیام نیز با دخل و تصرف در فرایند گفتمان نوروز و قرار دادن اصطلاحات و سازه‌های زبانی خاص؛ از آن‌ها به‌مثابه ابزاری تازه بهره می‌گیرد.

۳-۲-۱. عنصر گفتمانی زر

گفتمان اعمالی است که بر اثر سخن گفتن منظم درباره اشیاء، باعث به وجود آمدن و شکل بخشیدن آن اشیاء می‌شود. (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴) سخن گفتن در مورد هر عنصر گفتمانی به منزله به عرصه درآوردن و نظام بخشیدن به آن است. اینک نمونه‌هایی از این مورد.

- از خاصیت زر یکی آن است که دیدار وی چشم را روشن کند (۲۰) دل را شادمان گرداند، مرد را دلاور کند، دانش را قوت دهد، نیکویی صورت افزون کند، جوانی تازه دارد، به پیری دیر رساند، عیش را بیفزاید، به چشم مردم عزیز باشد... (۲۱).
نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۲، ۲۱ و ۲۳، ۳۲ می‌باشد.

۳-۲-۲. عنصر گفتمانی انگشتی

خلاقیت، انواع شناخته‌شده گفتمانی را در ترکیبی نو عرضه می‌کند و شواهدی برای بازسازی یک متن، به صورت ویژگی‌های صوری، ایجاد می‌کند. این ویژگی‌ها نشانه‌هایی از فرایند تولید متن هستند و محصول تلاقی انواع گفتمان می‌باشد. ویژگی‌های صوری که دارای ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند. (ر.ک. فرکلاف، ۱۳۸۹) خلاقیتی که خیام در خلق نوزنامه به کار می‌برد، انواع گفتمان‌ها را در ترکیبی نو عرضه می‌کند، هر کدام از این گفتمان‌ها دارای ویژگی‌های صوری می‌باشند که در تولید متن مؤثرند؛ عنصر گفتمانی انگشتی، دارای ویژگی‌های صوری با ارزش بیانی است.

- انگشتی زینتی است سخت نیکو و بایسته انگشت... بزرگان گفته‌اند: " نه از مروت باشد که بزرگان انگشتی ندارند" انگشتی مر انگشت را چون علمست مر میان را ... (۲۶).

استفاده از انگشتی یکی از سنت‌های پیامبر خدا و ائمه‌ی اطهار بود. در برخی گزارش‌ها به جنس انگشتی آن حضرات نیز اشاره و به استفاده از آن‌ها توصیه شده است. چگونگی شکل و طرح روی انگشتی نیز در برخی روایات، سفارش شده است (صدوق، ۱۴۱۳). تمامی عناصری که نگارنده‌ی نوزنامه از آن‌ها وصف کرده است، در اسلام نیز درخور ستایش هستند.

۳-۲-۳. عنصر گفتمانی شمشیر و قلم

فوکو معتقد است که در هر دوره و جامعه‌ای فرهنگ خاصی غالب است که پایه این فرهنگ شرایطی است که باعث شده این فرهنگ پدید آید و این شرایط به زبان و گفتمان حاکم در آن فرهنگ بازمی‌گردد. (ضمیران، ۱۳۷۸) آیین پادشاهان عجم، فرهنگ جامعه زمان خود را رقم می‌زند؛ شرایطی که این فرهنگ را بنا می‌نهد، آدابی است که در جامعه، توسط اعضاء جاری بوده است. یکی از این شرایط برگزاری جشن نوز می‌باشد که خیام

در طی گفتمان‌های متعدد آداب و رسوم و فرهنگی را که منجر به تشکیل گفتمان‌های متعدد می‌شود، بیان می‌دارد. شمشیر و قلم از جمله ابزاری بودند که موبدان در نوروز به خدمت پادشاهان می‌آوردند. خیام خاصیت، اهمیت و صفت هر یک از این ابزارها را، بررسی کرده است.

- شمشیر پاسبان ملک است و نگهبان ملت و تا وی نبود هیچ ملک راست نایستد. چه حدهای سیاست به وی توان نگاه داشت و نخستین گوهری که از کان بیرون آوردند آهن بود، زیرا که بایسته‌ترین آلتی مر خلق را او بود... همه سلاح با حشمت است و بایسته، ولیکن هیچ از شمشیر باحشمت تر و بایسته‌تر نیست (۳۴). شمشیر و شمشیربازی در اسلام جایگاه و منزلت خاصی دارد، اگر شمشیرهای نیرومند و خداجوی علی (ع) و حمزه نبود، اسلام به خوبی پانمی گرفت. حضرت علی نیرومندترین و متخصص‌ترین شمشیرزن در طول تاریخ بوده است. پیامبر گرامی جملات زیبایی در وصف شمشیر دارند. همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است. بهشت زیر سایه شمشیر است (مطهری، ۱۳۷۳). همان‌طوری که شمشیر در اسلام از اهمیت والایی برخوردار بود در نوروزنامه هم دارای ارزش است.

- قلم را دانایان مشاطه ملک خوانده‌اند و سفیر دل و سخن تا بی‌قلم بود چون جان بی‌کالبد بود و چون به قلم بازبسته شود باکالبد گردد و همیشه بماند و چون آتشی است که از سنگ و پولاد جهد و تا سوخته نیابد، نگیرد و چراغ نشود که از او روشنایی یابند... نخست کسی که دبیری نهاد طهمورث بود و مردم اگرچند باشرف گفتار است چون به شرف نوشتن دست ندارد ناقص بود چون یک نیمه از مردم... (۴۴). با این‌که پیامبر (ص) امی و درس نخوانده بود و محیط حجاز را یکپارچه محیط جهل و نادانی فرا گرفته بود، نخستین آیات وحی تکیه بر مسئله "علم" و "قلم" دارد. (ن والقلم و ما یسطرون) (قلم || ۱). در برخی از روایت‌ها آمده است نخستین چیزی که خدا خلق کرد قلم بود (حویزی، ۱۴۱۵). لذا در آیین پادشاهان عجم بر این اهمیت و ارزش واقف بودند و بر آن ارج می‌نهادند. گزاره‌هایی که این دو عنصر گفتمانی را در تولید متن، یاری می‌کند، دارای ارزش بیانی هستند. هرکدام از این گزاره‌ها به گفتمان‌ها ساخت می‌دهد و شرایط امکان تشکیل فرهنگ را فراهم می‌آورد. هرکدام از این عناصر دارای علامات هستند ولی کارکردشان برتر از این ویژگی‌ها و علامات می‌باشد. "از نظر فوکو گفتمان‌ها تشکیل شده

از علامتند، اما کارکردشان از کاربرد این علامات، برای نشان دادن و برگزیدن اشیاء، بیشتر است» (فرکلاف، ۱۳۸۹).

۳-۲-۴. عنصر گفتمانی اسپ

گفتمان را باید نظامی دانست که به شیوه‌های درک ما از واقعیت، شکل می‌دهد (سلیمی، ۱۳۷۸)؛ و به روش سخن گفتنی اطلاق می‌شود که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص، معنا می‌بخشد. (یورگنس، ۱۳۸۹) در بطن گفتمان نوروز آنچه به درک ما از این گفتمان شکل می‌دهد، عناصری هستند که تشکیل‌دهنده گفتمان نوروز می‌باشند و به آن معنا می‌بخشند؛ هر کدام از این عناصر گفتمانی قابل تفکیک از عنصرهای دیگر هستند. عنصر گفتمانی اسپ در شکل‌گیری گفتمان نوروز، نقش مهمی ایفاء می‌کنند.

- از صورت چهارپایان هیچ صورت نیکوتر از اسپ نیست، چه وی شاه همه چهارپایان چرنده است و رسول علیه‌السلام فرموده: "نیکی در پهلوی پیشانی اسپ بسته است،" و مر اسپ را پارسیان بادجان خوانند و رومیان آن را بادپای و ترکان جام‌زن کام‌ده و هندوان تخت پران و تازیان براق بر زمین و گویند آن فریشته که گردون آفتاب کشد به صورت اسپست الوس نام... (۵۱). تیراندازی و اسب‌سواری از ورزش‌هایی هستند که در قرآن برای پر کردن اوقات فراغت، به آن امر شده است. امروزه اسب نه تنها از منظر اقتصادی مهم است بلکه از لحاظ منافع ملی و نشان دادن شخصیت یک کشور نیز مهم می‌باشد، علاوه بر این اسب به خاطر ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص در اساطیر، از اهمیت بسیاری برخوردار است. اسب‌سواری از جمله ورزش‌های مورد تأکید اسلام است. خداوند برای فضل و برتری مسلمانان بر کفار آن‌ها را امر و تشویق به تجهیز نیرو می‌کند. خداوند می‌فرماید: "و شما ای مؤمنان در مقام مبارزه با آن‌ها، خود را مهیا کنید و تا آن حد که می‌توانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خود، فراهم سازید" (انفال/۶۰).

۳-۲-۵. عنصر گفتمانی شراب

مهم‌ترین عنصری که در جشن نوروز جایگاهی متفاوت با دیدگاه اسلام داشت، عنصر شراب بود. "سه تعبیر از کاربرد شراب در نوشته‌های خیام، صورت گرفته است. یکی شراب مستی‌آور، دیگری شراب محبت (عرفانی) و سوم شراب خرد (فلسفی)." (امین رضوی،

۱۳۸۵). در نوروزنامه به صراحت از شراب نوع اول یعنی شراب مستی آور، سخن به میان آمده است. " باده در زبان خیام رمزی است از مطلق تمتع و شعاری است برای بهره گرفتن از زندگی" (دستی، ۱۳۷۷). برخی نظریه پردازان مارکسیست، زبان را صرفاً ابزاری می دانسته اند که مردم از طریق آن به ایده‌هایی باور می‌آوردند که در جهت منافع آنها نیست. ولی در نظریه گفتمان زبان پایگاهی است که در آن، مبارزات بیان می‌شوند (میلز، ۱۳۸۸). برخلاف نظر مارکسیست، خیام با آگاهی کامل درباره شراب سخن می‌گوید و از منافع و مضار آن، کاملاً آگاه است.

- منفعت شراب سپید و تنک، غذا کمتر دهد و مردمان گرم مزاج را بشاید و صفرا براند به بول اندک اندک / مضرتش، خداوند معده سودایی را از وی شکم پر باد گردد و درد مفاصل آرد / دفع مضرتش، با سپیدباها و توابل و تباهه خشک کنند تا زیان ندارد و منفعت کند (۶۲).

طبق نظریه گفتمان، خیام از زبان ابزاری برای مبارزه با نفس استفاده می‌کند. به ریاضت کردن نفس خود را به جایی رساند که از اول شراب خوردن تا آخر هیچ بدی و ناهمواری ازو در وجود نیاید به گفتار و به کردار الای نیکویی و خوشی، چون بدین درجه رسد شراب خوردن او را زبید (۶۱). مبارزه با نفس پیام اساسی خیام برای خوردن شراب است. آنچه خیام درباره فضیلت شراب، منفعت، مضرت و دفع مضرت آن یاد می‌کند، برگرفته از گفتار جالینوس حکیم، محمدبن زکریای رازی و خواجه ابوعلی سینا و اطباء بزرگ است. باطنیان خوردن شراب حنطی و مویزی را مباح می‌دانستند و بعضی از مذاهب خمسه همانند حنیفه به حلیت شراب پخته و غیر مسکر فتوا داده‌اند (معین، ۱۳۷۸). اقوال اطباء پیشین و حکمای طبیعی مانند مؤلف ذخیره خوارزمشاهی بر خواص دارویی شراب تأکید بسیار ورزیده‌اند (قنبری، ۱۳۹۳). در تعلیم زرتشت پیامبر نیز باده‌خواری دارای آدابی است که در اندرزهای آذرباد مارسپندان آمده است. در آیین یهود هم اعتدال در باده‌خواری توصیه شده است " در هشت چیز زیاده‌روی زیان‌آور است و اعتدال سودمند است، این هشت عبارت‌اند از: مسافرت، مقاربت، کسب ثروت، کار، نوشیدن شراب، خوابیدن، استفاده از آب گرم (برای نوشیدن و استحمام) و خون گرفتن... (کهن، ۱۳۸۲). امام فخر رازی در منافع شراب داد سخن داده است " ضعیف را نیرومند می‌کند، غذا را می‌گوارد، به نیروی باه می‌افزاید، اندوهگین را تسلی می‌دهد، ... (فخر رازی، ۱۳۸۰). ابن سینا هم فصلی

مشبع در خواص پزشکی شراب در کتاب قانون آورده است که برای احتراز از اطاله کلام از نقل آن خودداری می‌شود.

در آیات قرآن به ضررهای شراب و اینکه نوشیدنی حرام و مضر است؛ اشاره شده و انسان‌ها را از نوشیدن آن منع کرده است. درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است و منافی هم برای مردم دربردارند؛ ولی گناه آن بیش از نفع آن‌هاست (بقره || ۲۱۹). در اسلام این استدلال را محکم‌ترین دلیل بر حریم شراب می‌دانند. امام صادق (ع) می‌فرماید: "خداوند در امر حرامی شفا قرار نداده است" (کلینی، ۱۳۸۸). برخی این حدیث را اختصاص به حرام بالذات کرده‌اند و گفته‌اند: شراب حرام بالذات و حرام محض نیست تا ذیل حرمت فوق قرار گیرد بلکه به جهتی از جهات نظیر تضييع مال و دوری از نماز به‌عنوان اثم عارض شمرده شده است؛ اما این سخن به دلیل اطلاق روایت پذیرفته نیست؛ بنابراین طبق این نظریه‌ها، شراب چه بالذات حرام باشد و چه بالعرض، شفابخش نیست. علی (ع) می‌فرماید: "خداوند شراب و میگساری را برای سلامت عقل حرام کرده است (دستی، ۱۳۷۹) این مایعات به جهت مستی‌ای که ایجاد می‌کنند بر روی عقل پرده‌ای می‌افکنند و نمی‌گذارند بد را از خوب و زشت را از زیبا تشخیص داد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳)؛ بنابراین استعمال مشروبات الکلی در اسلام هرچند کم و ناچیز ممنوع و حتی نسبت به نوشیدن یک قطره از مسکرات، هشتاد تازیانه مجازات تعیین شده است.

نگارنده نوروژنامه معتقد است، مصرف کم و کنترل‌شده شراب، ضرری برای بدن ندارد بلکه مانند آشامیدنی‌های دیگر مفید می‌باشد و با در نظر گرفتن این که شراب نوعی از نعمت‌های خداوند، مانند سایر نعمت‌هاست" و در بهشت نعمت بسیار است و شراب بهترین نعمت‌های بهشت است و اگر نبودی ایزد آن را به خود مخصوص نکردی... چنانکه در محکم کتاب خود فرموده است که و سقیهم و ربهم شرابا طهورا و دیگر جای می‌فرماید: و منافع للناس و اثمها اکبر من نفعها، مردمان را منفعت بسیار است در وی ولیکن بزه او از نفع بیشتر است، خردمند باید که چنان خورد که مزه او بیشتر از بزه بود تا برو و بال نگردد... (۶۱). خیام استفاده از جنبه‌های مفید و مثبت شراب را مانند بقیه نعمت‌های خدادای با شرایط و مقدار مشخص، جایز می‌داند و معتقد است اگر کسی به حدی از درجه خودسازی و کنترل خویشتن رسیده باشد، استفاده از شراب برای چنین فردی، مجاز است. ولی نظر اسلام برخلاف خیام است. در اسلام علما معتقد هستند، مقدار کم شراب ضررش

کم است پس نباید خورده شود. از طرف دیگر معتقد هستند، مصرف کنترل شده مشروبات الکلی، جایز نیست؛ زیرا اگر به مردم چنین اجازه‌ای داده شود، به هیچ وجه قابل کنترل نیست و به زودی تمام جامعه، آلوده می‌شود به همین جهت شرع آن را به طور کلی ممنوع کرده است. از دیدگاه عرفانی، عرفا معتقدند، واژه‌ها و کلمات از دنیای حقیقی و محسوس به عاریت گرفته می‌شود تا با سیر تحول معنایی از صورت به سوی تشبیه، مجاز و استعاره بیانگر حالات و خواست گویندگان و شاعران باشند. (باده و می) یکی از مهم‌ترین الفاظ و مصطلحاتی است که شاعران عارف در اشعار عرفانی خود به کار برده‌اند. این تعبیر غالباً در حوزه تصوف و عرفان معنایی غیر از معنای حقیقی و واقعی خود دارد. صوفیه و شعرای عارف مسلک برای بیان عواطف و احساسات درونی و معنوی و نشان دادن عشق و محبت الهی، از الفاظ و کلماتی که به صورت کنایه و رمز به کار برده می‌شود؛ بهره و سود جسته‌اند تا به دستاویز کلام و واژه منظور خود از شراب، خمر، باده و می که در اشعار غیر عرفانی نیز به کار برده شده است، بیان نمایند؛ بنابراین برای تمیز معنای مجازی و حقیقی باده "مایع مسکری را که شرع آن را حرام کرده است باده یا شراب "صوری" و باده خود را "معنوی" خوانده‌اند. شعرا و عرفا مراد و منظور خود را از باده که همان تجلیات و جلوه‌های پروردگار است با معنای مجازی بیان نموده البته تعبیر مختلفی از آن را سروده‌اند (پورجوادی، ۱۳۸۷). در منابع عرفانی و سخنان عارفان سه نوع باده معنوی می‌توان تشخیص داد.

۱- باده عرفانی، باده عرفانی که شراب عشق، محبت، معرفت، حق، لامکان، بقایی و طهور، خوانده می‌شود از لحاظ معنی با باده انگوری تفاوت دارد (شبه‌ستری، ۱۳۸۳).

۲- باده الست. در آثار صوفیه به نوعی دیگر از باده عرفانی برمی‌خوریم به نام باده الست که از آن ذوق و مستی را اراده کنند (اعراف / ۱۷۲).

۳- باده‌هایی که همه پدیده‌های جهان مست از آنند

نوعی دیگر از باده، تجلیات حق بر جهان است که از ذوق و تأثیر آن، همه آفریده‌ها، مست و دایما در وجد و تکاپو می‌باشند و این امر وقتی بر سالک روشن می‌گردد که او را دیده‌های حق بین بخشند. (عطار، ۱۳۶۶) عارفان با شراب مجازی سرو کار ندارند شراب آنان فقط شراب معنوی و حق است و مستی آن‌هم لایزالی است، بنابراین از دیدگاه

عرفانی، شراب انگوری و آنچه نگارنده نوروزنامه از آن یاد می‌کند؛ پذیرفتنی نیست و این دیدگاه مطابق با نظر اسلام در مورد شراب می‌باشد.

دیدگاه اسلام و آیین‌های دیگر درباره شراب متفاوت است. باین‌حال نگارنده نوروزنامه با استشهاد به آیات و احادیث و آراء اطباء بزرگ که آن‌ها را از دانایان دانش طب برشمرده، اقوالش را تقویت کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری


گفتمانی که خیام در نوروزنامه شکل داده است، موجودیت خود را مدیون بهره‌گیری از شگردهای صورت‌بندی گفتمانی، مفصل‌بندی عناصر گفتمانی است که در جریان باز تولید متن به کار گرفته است. بررسی این سازو کارها مشخص می‌کند که در گفتمان نوروزنامه، جشن نوروز دال مرکزی گفتمان است که گفتمان‌هایی چون طب، نجوم و عقاید خرافی، حول آن انتظام یافته‌اند و عناصری چون زر، شمشیر، تیر و کمان... در شبکه گفتمان مفصل‌بندی شده و هویت خود را در فرایند ارتباط با هسته مرکزی، تثبیت و عینیت می‌بخشد. هسته مرکزی گفتمان خیام، توصیف امور مادی است که در بازتولید گفتمان نوروز، نقش اساسی ایفا می‌کند. در بین عناصر گفتمانی آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند، عنصر گفتمانی شراب می‌باشد که کاملاً مستی‌آور است و از منافع، مضار و دفع مضار آن سخن گفته است. خیام این سخنان را از بزرگانی چون جالینوس، زکریای رازی و ابن سینا نقل قول می‌کند و هرکسی را در خوردن آن مجاز نمی‌داند. بلکه معتقد است باید به مبارزه با نفس پرداخت و بعد به خوردن آن روی آورد. از میان صورت‌ها و عناصر گفتمانی کتاب برخی با دیگری در تعارض‌اند. نمونه آن عناصر ایرانی چون جشن‌های آن با عناصر روزگار اسلامی است که نویسنده کتاب آن‌ها را با هم جمع کرده است. یکی از نشانه‌هایی که به‌سختی می‌توان در روزگار اسلامی از آن گفت، بیان فواید شراب است که به زکریای رازی و گفتمان دهه او نسبت می‌یابد. در این کتاب درباره غیرمجاز بودن شراب برای همگان نیز سخن به میان آمده است که ریشه در گفتمان عارفانه دارد که می‌گوید شراب برای آدم‌های خام، حرام است تا دغدغه مذهبی را که شرب خمر را حرام می‌داند، در نظر داشته باشد. نویسنده نوروزنامه با بیان این اندیشه‌ها، گفتمان‌های متفاوت را، آگاهانه یا ناآگاهانه بیان کرده است حال آن‌که می‌توانست قاطعانه هژمونی و نماینده یک ایدئولوژی در این گفتمان‌های متفاوت باشد.

تعارض منافع


تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Taslimi

 <http://orcid.org/0000-0003-3221-5180>

Nahideh Zarei

 <http://orcid.org/0000-0001-6817-9674>

Mohammad Ali

 <http://orcid.org/0000-0002-3456-9313>

Khazanedharloo

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۱). *هایدگر و تاریخ هستی*. تهران: مرکز.
- امین رضوی، مهدی. (۱۳۸۵). *شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام*. ترجمه مجیدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پایا، علی. (۱۳۷۵). جایگاه مفهوم صدق در آراء فوکو. *نامه فرهنگ*، (۳۳)، ۵۲-۶۹.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۷). *باده عشق (پژوهشی در معنی باده در شعر عرفانی)*. تهران: کارنامه.
- تسلیمی، علی. (۱۳۹۱). *رباعیات خیام و نظریه کمیت زمان*. تهران: کتاب آمه.
- _____ (۱۳۹۰). *نقد ادبی: نظریه های ادبی و کاربرد آن ها در ادبیات فارسی*. تهران: کتاب آمه.
- حویزی، شیخ جمعه. (۱۴۱۵). *تفسیر نورالتقلین*. قم: موسسه اسماعیلیان.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نی.
- سلیمی، اصغر. (۱۳۷۸). *گفتمان در اندیشه فوکو*. کیهان فرهنگی، اسفند ماه.
- شبستری، محمود. (۱۳۸۳). *گلشن راز*. به اهتمام و تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. چ ۵. تهران: زوار.
- دشتی، علی. (۱۳۷۷). *دمی با خیام*. چ ۲. تهران: اساطیر.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*. تهران: نی.
- عطار، فریدالدین. (۱۳۶۶). *کلیات دیوان عطار نیشابوری*. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. چ ۳. تهران: علمی- فرهنگی.
- ضمیران، محمد. (۱۳۷۸). *میشل فوکو، دانش و قدرت*. تهران: هرمس.

- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان فاطمه شایسته پیران. چ ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قنبری، محمدرضا. (۱۳۹۳). *خیام نامه*. چ ۵. تهران: زوار.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). *فروع کافی*. گروه مترجمان. قم: قدس.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳). *من لایحضر الفقیه*. چ ۳. مترجم محمد تقی مجلسی. قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
- کهن، دکتر ابرام. (۱۳۸۲). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه از متن انگلیسی امیر فریدون گرگانی. ترجمه و تطبیق با متن عربی یهو شرع متن الی. تهران: اساطیر.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). *وضعیت پست‌مدرن*. ترجمه حسینعلی نوزری. تهران: گام نو.
- ون دایک، تئون. (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، گروه مترجمان. چ ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۶). *بحارالانوار*. مترجم موسی همدانی. چ ۴. تهران: انتشارات اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب اسلامیة.
- مک دامل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نوزری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۳). *دانش نامه نظریه‌های ادبی*. ترجمه م مهاجر و م نبوی. تهران: آگاه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *قیام و انقلاب مهدی*. چ ۱۳. تهران: انتشارات صدرا.
- میلز، سارا. (۱۳۸۸). *گفتمان*. چ ۲. زنجان: نشر هزاره سوم.
- معین، دکتر محمد. (۱۳۷۸). *حافظ شیرین سخن*. به کوشش دکتر مهدخت معین. تهران: انتشارات صدای معاصر.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). مترجم محمد دشتی. گردآورنده شریف‌الرضی محمد بن حسین. چ ۱. قم: انتشارات مشهور.
- یورگنس، ماریان، فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

References

- Adam Jaworski. & Nikolas Coupland. (1999). *The Discourse Reader Route*. p.3
- Ahmadi, B. (2002). *Heidegger and the History of Existence*. Tehran: Center University of Virginia. [In Persian]
- Amin Razavi, M. (2006). *Description of the life and works of Hakim Omar Khayyam*. Translated by Majid al-Din Kiwani. Tehran: Sokhan [In Persian]

- Aghagolzadeh, F. (2015). *Critical Discourse Analysis*. Third Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Paya, A. (1996). *The Place of the Concept of Truth in Foucault's Views*, Letter of Culture, (33), 52-69. [In Persian]
- Pourjavadi, N. (2008). *Badeh Eshgh* (Research on the Meaning of Wind in Mystical Poetry). Tehran: Karnameh. [In Persian]
- Taslimi, A. (2012). *Khayyam's Quatrains and the theory of Quantity of Time*. Tehran: Ameh book. [In Persian]
- _____. (2011). *Literary Criticism: Literary Theories and Their Application in Persian Literature*. Tehran: Ameh Book. [In Persian]
- Havizi, Sh. J. (1994). *Tafsir Noor Al-Thaqalin*. Qom: Ismailian Institute. [In Persian]
- Soltani, A. A. (2005). *Power, Discourse and Language*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Salimi, A. (1999.) *Discourse in Foucault's Thought*. Kayhan Farhangi, March. [In Persian]
- Shabestari, M. (2004). *Golshan Raz*, Edited and Corrected by Mohammad Reza Barzegar Khaleghi and Effat Karbasi. Ch 5. Tehran: Zavar. [In Persian]
- Dashti, A. (1998). *Demi Ba Khayyam*. Ch II. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Azdanloo, H. (2001). *Discourse and Society*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Attar, F. Al-Din. (1987). *Generalities of Attar Neyshapouri's Divan*. Edited and Corrected by Taghi Tafazli. Ch III. Tehran: Scientific-Cultural. [In Persian]
- Nahj al-Balaghah*. (1379). Translated by Mohammad Dashti. Compiled by Sharif al-Radi, Mohammad Ibn Hussein. First Edition, Qom: Famous Publications. [In Persian]
- Zamiran, M. (1999). *Michel Foucault, Knowledge and Power*. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Fairclough, N. (2010). *Critical Analysis of Discourse*. Translated by Fatemeh Shayesteh Piran ... Third Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Ghanbari, M. R. (2014). *Khayyamnameh*. Ch 5. Tehran: Zavar. [In Persian].
- Klini, M. Ibn. Y. (2009). *Foroo Kafi*. Translators Group. Qom: Quds. [In Persian]
- Saduq, M. Ibn. A. Ibn . (1992). *From Layeh Hadr al-Faqih*. vol. 3. Translated by Muhammad Taqi Majlisi. Qom: Qom Teachers Association Publications. [In Persian]
- Kohan, Dr. A. (2003). *A Treasure of the Talmud*. Translated from the English Text by Amir Fereydoun Gorgani. Translated and Adapted to the Arabic Text of Yahoo Sharia. [In Persian]
- Liotard, Jean-F. (2002). *The Postmodern Situation*. Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: New Step. [In Persian]
- Van Dyke, Th. (2010). *Studies in Discourse Analysis*. Translators Group. Third Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

- Majlisi, M. B. (2007). *Baharalanvar*. Translated by Musa Hamedani. Fourth Edition. Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1974). *Tafsir Nomoneh*. Tehran: Islamic Library. [In Persian]
- McDonnell, D. (2001). *An Introduction to Discourse Theories*. Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: Culture of Discourse. [In Persian]
- Makarik, I. (2004). *Encyclopedia of Literary Theories*. Translated by Mohajer. M. Nabavi. Tehran: Agah. [In Persian]
- Motahari, M. (1994). *Mehdi Uprising and Revolution*. 13th Edition. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mills, S. (2009). *Discourse*. Second Edition. Zanjan: Third Millennium Publishing. [In Persian]
- Moein, Dr. M. (1999). *Hafez Shirin Sokhan*. by Dr. Mahdokht Moein. Tehran: Sada-e Moaser Publications. [In Persian]
- Jurgens, M., Phillips, L. (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

استناد به این مقاله: تسلیمی، علی، زرعی، ناهیده، خزانه دارلو، محمدعلی. (۱۴۰۰). گفتمان‌های متفاوت در نوروزنامه. متن پژوهی ادبی، ۲۵(۹۰)، ۲۱۳-۲۳۳. doi: 10.22054/ltr.2020.43101.2716



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

